



سه نظریه مهم در باب شبه خانواده/ خانواده را به درستی نمی شناسیم

قاسم پورحسن در نشست «شبه خانواده» گفت: سه نظریه مهم در باب شبه خانواده (H4C) وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به عنوان رهیافت‌های بنیادین نام برد.

ز

به گزارش خبرنگار مهر، اولین نشست «شبه خانواده» با عنوان «نگاهی به بنیان‌های نظری شبه خانواده» به همت دفتر مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی بنیاد توسعه آفرینش برتر و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سالن همایش‌های بنیاد توسعه آفرینش برتر برگزار شد.

کاوه امیدی در ابتدای این نشست گفت: خانواده نخستین واحد اجتماعی است. گرچه محیط خانواده مهمترین نهاد برای پرورش کودکان محسوب می‌شود، اما همواره کودکانی هستند که به دلایل و عناوین مختلف ناگزیر، جدا از خانواده و در مراکز تحت عنوان شبانه روزی نگهداری می‌شوند. مراکز شبه خانواده (Home for Children) نهادی اقامتی، زیستی و اجتماعی است که تحت سرپرستی و مراقبت اشخاصی مانند یک زن و شوهر یا مربیان زن و مرد که به صورت یک خانواده زندگی می‌کنند، امکان زندگی و پرورش و آموزش تعدادی کودک و نوجوان بی سرپرست را فراهم می‌کند.

این جامعه شناس و مددکار اجتماعی افزود: فلسفه تأسیس خانه شبانه روزی، ایجاد یک محیط نسبتاً طبیعی خانوادگی و برقرار کردن ارتباط‌های صمیمانه و عاطفی بین کودکان و سرپرستان (شبه پدر و مادر) است. نظریه‌های مرتبط با کودکان بی سرپرست در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی و رفتاری دو دسته عمده هستند:

۱. نظریه‌هایی که عمدتاً به اتیولوژی و سبب شناسی بی سرپرستی پرداخته است؛

۲. برخی دیگر از نظریه‌ها به پیامدها، آثار و نتایج بی سرپرستی در کودکان می‌پردازند.

امیدی با اشاره به تاریخچه شبه خانواده‌ها از دوره ایران باستان عنوان کرد: تعداد محدودی مثل خیریه مشیز که با سیستم بسیار منسجم و همراه با متد علمی و به صورت نوآورانه با همکاری و بهره‌گیری از توان تخصص متخصصان در امور اجتماعی و مددکاری دست به حرکتی خلاقانه زده و با استفاده از مادران و پدران و مادری واحد برای دو طیف پسران و دختران اقدامات شایسته‌ای در حوزه آموزشی پرورشی و حمایتی و کار آفرینی در دستور کار داشته و در اجرای آن‌ها کوشا هستند.

وی همچنین گفت: بدون وجود خانواده و یا دست کم شبه خانواده، رشد صحیح اجتماعی، عاطفی و فرهنگی کودکان مشکل خواهد بود، سیستم خانواده نظام روابط اجتماعی را در سطح درون و بیرون از خانواده ممکن می‌سازد و در صورتی که این نظام تخریب شود و جایگزین قابل قبولی حتی در حد نسبی برای آن در نظر گرفته نشود باعث آسیب پذیری کودکان شده و نا بهنجاری‌هایی را در آن‌ها پدید می‌آورد.

قاسم پورحسن در ادامه پیرامون رهیافت‌های شبه خانواده عنوان کرد: سه نظریه مهم در باب شبه خانواده (H4C) وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به عنوان رهیافت‌های بنیادین نام برد. نظریه تأسیسی بودن شبه خانواده، نظریه تکمیلی بودن شبه خانواده و نظریه جایگزینی تلفیقی. شبه خانواده در وضعیت کنونی دیگر به سان امری نامتعارف و غیر طبیعی نگریسته نمی‌شود. واقعیت جوامع و دگرگونی‌های شکل گرفته نشان می‌دهد که راهی غیر از شبه خانواده نداریم. اما با این وصف می‌توانیم درباره سرشت، کارکرد و آینده آن و امکان انجام تغییراتی در آن سخن بگوییم. تغییراتی که شبه خانواده را از ساختار فیزیکی محض به سمت بنیان‌های خانواده توأم با مؤلفه‌های عاطفی پیوندی نزدیک سازد.

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی افزود: شبه خانواده در حقیقت یک ساختار حمایتی سرپرستی است که برای دست یافتن به اهداف مطلوب حداقلی خانواده ظهور کرده و به مثابه جایگزین یا مکمل نسبی برای الگوی سنتی و نهادینه شده خانواده تلقی می‌شود. امروزه هدف اصلی از شکل‌گیری مراکز شبه خانواده، شبیه‌سازی یا واقعیت‌سازی فضا و حقیقت خانواده برای کودکان و نوجوانان بی سرپرست است تا به وسیله آن به احیا کردن کارکردهای

خانواده پرداخته و از طریق فرآیند جامعه پذیری در این مراکز به تأمین اصلی ترین نیازهای فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان بی سرپرست بپردازند.

تقی آزاد ارمکی در ادامه این نشست گفت: جای موضوعاتی مثل خانواده و شبه خانواده در مباحث اجتماعی کشور خالی است. شواهد تجربی و حوزه نظری نشان می دهد که ما خانواده را به درستی نمی شناسیم و نمی دانیم پیوست آن با دیگر عناصر جامعه کدام است. به گمانم چند نیروی اجتماعی در بروز و ظهور شبه خانواده در ایران مؤثر هستند. در وهله اول فرزندان که در جامعه بلاتکلیف اند. دوم نهادها و سازمان هایی که متکفل این بودند که این ماجرا اتفاق نیفتد اما به دلیل کارکرد نادرست، حالا باید معلول خودشان را سامان بدهند، مثل سازمان بهزیستی. سومین گروه نیز کسانی هستند که به دلایل مختلف میل به پذیرفتن فرزند دیگری یا بدسرپرست را دارند.

استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران با اشاره بحران های طبیعی و غیر طبیعی اجتماعی و نسبت آن با شبه خانواده افزود: حتی در زمان پیامبر نیز کودکان بی سرپرست بوده اند و همچنین کسانی که به دلیل انسان دوستی یا دلایل دیگر این کودکان را متکفل شده اند و سعی کردند این موضوع را سامان دهند. خانواده ها ممکن است نگهداری فرزند را توأم با رنج و گرفتاری تلقی کنند و فرزندآوری تبدیل به یک عمل غیرعادی می شود. در واقع افزایش هزینه نگهداری فرزندان ممکن است به ایجاد شبه خانواده منجر شود. عوامل متفاوت و متعددی هستند که سبب هویت بخشی به مفهوم شبه خانواده می شوند.

رحیم محمدی در ادامه گفت: با نگاهی به کلانشهرها در می یابیم که مفهوم و ساختار خانواده نسبت به دوره پدران و مادران ما تغییرات بسیاری کرده است. در حال حاضر شکل های مختلفی از خانواده پدید آمده که در گذشته معنایی نداشتند. به طور مثال خانواده تک عضوی، خانواده بدون فرزند، خانواده تک والدی، خانواده سفید، خانواده دوم …. با توجه به پدید آمدن اشکال جدید خانواده، معنای فرزندآوری نیز دچار تغییر شده است. در گذشته فرزندآوری به معنای کامل بودن زن و مرد بود و معنای عاطفی نیز داشت اما امروز تلقی و معنای فرزند دگرگون شده و نگاه خانواده در مورد به دنیا آوردن، بزرگ کردن و تربیت فرزند نیز تغییر کرده به این شکل که برخی از زوج ها احساس می کنند فرزند مانع لذت بردن آنها از زندگی و مزاحم آن هاست و بنابراین تمایلی به فرزندآوری ندارند.

سپس محمدعلی محمدی قره قانی گفت: کودکانی بوده اند که پیوندهای ژنتیک خود را گم کرده و یا از دست داده اند. هویت خود را باخته و از عواطف عمیق مادرانه یا والدینی هم محروم مانده اند. تاریخ فرزندخواندگی مشحون از این گونه جدایی ها و محرومیت های کودکان از والدین، از هویت بیولوژیک و خونی و خویشاوندی، از تاریخ خانوادگی و خاندان و تبار و یأس و درماندگی و استرس و بی معنایی و در موارد زیادی اعتیاد و خودکشی این گونه از فرزندان است. مشکل منحصر به کودکان بی سرپرست و یا بد سرپرست نیست بلکه مادران و پدران هم که چنین فرزندی را می پذیرند دچار استرس و نگرانی از آینده و حتی انگ و طعنه دیگران می شوند.

وی ادامه داد: پیرو سیاست های فرزند خواندگی باید به این دغدغه ها هم پاسخ داد و پیشنهاد شده تا سابقه ژنتیکی و بیولوژیک کودکان را پنهان و منهدم نکنند و حتی مساعدت شود تا آنان حداقل به هویت ژنی خود پی ببرند و برای پدر و مادران فرزندپذیر نیز دوره های روانشناسی و توانمندسازی و آموزش مهارت جهت مقابله با استرس و فشارهای اجتماعی منبث از فرزندپذیری را ارائه بدهند.